

## Comparison of Bant Saad's Poem with Saadi's Poems about the Beloved Prophet of Islam as a Perfect Human Model and its Effect on the Spiritual Health of Muslims

### ARTICLE INFO

*Article Type*  
*Research Article*

#### Authors

Saeed azizpoor<sup>1\*</sup>  
Esmaeil Hasanzadeh<sup>2</sup>

#### How to cite this article

Saeed azizpoor, Esmaeil Hasanzadeh, Comparison of Bant Saad's Poem with Saadi's Poems about the Beloved Prophet of Islam as a Perfect Human Model and its Effect on the Spiritual Health of Muslims, *Journal of Quran and Medicine*, 2020; 5(1): 129-136.

1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Yasouj University, Yasouj, Iran. (Corresponding author)

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Yasouj University, Yasouj, Iran.

#### \* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: sazizpour@yu.ac.ir

### ABSTRACT

The praises, hymns, praises and praises of great religious and national figures are widely reflected in the poetry of poets, and the final position of Prophet Muhammad (pbuh) in Persian and Arabic poetry is unique and unique. There are few Persian or Arabic poets. Divan did not decorate his poetry with verses or verses about this unique character in history and did not praise the greatness, majesty, position and dignity of that Prophet. Saadi is one of the prominent poets who read the sciences of his time and the sources before him and studied many books; Therefore, in all his works and in all the forms of poetry he wrote, he addressed the Prophet (PBUH). According to Saadi, the Prophet is a perfect human being, and as a unique example, he calls him both Khatam and Khatam (perfect). Due to the fact that acting on the behavior of the Prophet as a guide and leader spiritually calms humanity, that's why Saadi sometimes brings stories about the behavior of the Prophet in Golestan and Bostan. Ka'b bin Zuhair also begins his famous ode titled "Bant Saad" by apologizing to the Prophet. The Prophet's spiritual behavior after hearing this ode and sending a gift to the Ka'b shows the spiritual and psychological burden that the Prophet had on the poet with this gift and raised the importance and status of poetry and poets. Therefore, in this article, we will compare the poems of two prominent Persian and Arab poets, Saadi Shirazi and Ka'b bin Zuhair, and examine the perspectives of these two poets on the Prophet as a model of a perfect human being and its impact on the spiritual health of Muslims based on their poems. We will review to better show the ability of both of them in this field and to get more familiar with the example of Naat and Manqbat in Persian and Arabic language.

**Keywords:** *Naat and Manqbat of the Prophet, perfect model, spiritual health, Saadi Shirazi, Ka'b bin Zuhair.*

## مقایسه قصیده بانت سعاد با اشعار سعدی در باره

## پیامبرگرامی اسلام به عنوان الگوی انسان کامل و

## تاثیر آن بر سلامت معنوی مسلمانان

سعید عزیزپور\*

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول)

اسماعیل حسن زاده<sup>۲</sup>

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

## چکیده

ستایش، نعت، مدح و منقبت چهره های بزرگ دینی و ملی در شعر شاعران بازناب گسترده ای دارد و جایگاه ختمی مرتبت حضرت محمد (ص) در شعر فارسی و عربی ممتاز و بی نظیر است. کمتر شاعر فارسی زبان یا عرب زبانی یافت می شود که دیوان شعر خود را به بیت یا ابیاتی در باره این شخصیت بی مانند تاریخ، مزین نموده و بزرگی، عظمت، مقام و منزلت آن حضرت را نستوده باشد. سعدی یکی از شاعران برجسته ای است که علوم زمان خود و منابع پیش از خود را خوانده بود و کتاب های فراوانی در مطالعه کرده بود؛ از همین رو در همه آثارش و در همه قالب های شعری که سروده، به پیامبر (ص) پرداخته است. به عقیده سعدی پیامبر انسان کاملی است و به عنوان یک الگوی منحصر بفرد ایشان را هم خاتم خطاب می کند و هم خاتم (کامل). به دلیل اینکه عمل به رفتارهای پیامبر به عنوان یک اسوه و پیشوا از نظر معنوی باعث آرامش بشریت می شود، به همین خاطر سعدی گاه در گلستان و بوستان حکایت هایی را از رفتارهای پیامبر می آورد. کعب بن زهیر نیز قصیده مشهور خود با عنوان بانت سعاد را با عذر خواهی از پیامبر آغاز می کند. رفتار معنوی پیامبر بعد از شنیدن این قصیده و فرستادن هدیه برای کعب نشان دهنده بار معنوی و روانی است که پیامبر با این هدیه خود بر شاعر داشته است و اهمیت و جایگاه شعر و شعرا را بالا برده است. به همین رو در این مقاله به مقایسه اشعار دو شاعر برجسته فارس و عرب یعنی سعدی شیرازی و کعب بن زهیر می پردازیم و زوایای نگاه این دو شاعر به پیامبر را به عنوان الگوی انسان کامل و تاثیر آن بر سلامت معنوی مسلمانان بر اساس اشعار ایشان مورد بررسی قرار می دهیم تا توانایی آن دو را در این زمینه بهتر نمایان سازیم و با نمونه نعت و منقبت در زبان فارسی و عربی بیشتر آشنا گردیم.

واژگان کلیدی: نعت و منقبت پیامبر، الگوی کامل، سلامت معنوی، سعدی شیرازی، کعب بن زهیر.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۶

\*نویسنده مسئول: sazizpour@yu.ac.ir

## مقدمه

شاعران و نویسندگان فارسی و عرب زبان و مسلمان با بهره گیری از این سخن پیامبر گرامی اسلام: هرکاری که با نام خدا آغاز نشود ابر است. از دیرباز سروده ها و نوشته های خود را با نام پروردگار جهان آغاز کرده؛ بزرگی، بخشندگی و بخشاینده گی او را ستوده و سر نیاز بر آستان او نهاده اند و پس از ستایش یزدان پاک فضلی در نعت و منقبت برترین فرستاده او آورده اند. بر همین اساس داستان سرای گنجه در آغاز داستان خسرو و شیرین آورده:

محمد کافرینش هست خاکش هزاران آفرین

بر جان پاکش

چراغ افروز چشم اهل بینش طراز کارگاه

آفرینش

ریاحین بخش باد صبحگاهی کلید مخزن

گنج الهی (۱)

و حافظ شیرازی یگانه غزلسرای زبان فارسی در یکی از غزلیات شیرین خود ارادتش را به حضرت ختمی مرتبت اینگونه به تصویر می کشد که:

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

را انیس و مونس شد

نگار من که مکتب نرفت و خط نوشت

به غمزه مسئله

آموز صد مدرس شد (۲)

عطار، عارف و شاعر نامدار نیشابوری در آغاز کتاب سترگ منطق الطیر خود پیامبر را در ۱۵۰ بیت اینگونه به تصویر می کشد:

آفتاب شرع و دریای یقین

مهربانان و بهترین انبیا

نور عالم رحمه للعالمین

مهمترین و بهترین انبیا

ختم کرده حق نبوت را بدو

معجز و خلق و فتوت را

بدو

وصف او کی لایق این ناکس است

وصف او خالق عالم بس است

نکته ای که اکثر شاعران در ضمن نعت و منقبت پیامبر به آن توجه خاصی داشته اند مسئله معراج است که غالباً با آب و تاب بسیار به توصیف آن پرداخته اند از جمله سنایی، خاقانی، امیرخسرو

دهلوی، سلمان ساوجی، جامی، و وحشی بافقی به ترتیب معراج نامه خود را با مطلع های زیر آغاز نموده اند:

بر نهاده ز بهر تاج قدم

پای بر فرق عالم

و آدم

میدان ازل ندیده باری

بر پشت فلک چنو

سواری

نیمه شبی کان مه گردون سوار

کرد به دولت سوی

گردون خرام

در آن شب کز سرای ام هانی

روان شد سوی قصر

لامکانی

فرمانروای ملک سخن با کعب بن زهیر شاعر توانای عرب که شخص پیامبر را ملاقات نموده مورد نقد و مقایسه قرار گیرند تا بتوان به دیدگاه دو شاعر از یک منظر بهتر و بیشتر پی برد. ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به توصیف و نعت پیامبر بزرگ اسلام در شعر و نثر شاعران و نویسندگان فارس و عرب بخصوص حضرت سعدی و کعب بن زهیر و اینکه سعدی ششصد سال بعد از پیامبر به دنیا آمده و کعب در عصر پیامبر زندگی کرده و شخصیت ممتاز آن حضرت را زیارت نموده و از زندگی پیامبر نسبت به شاعران پسین شناخت و آگاهی بیشتری دارد، مقایسه اشعار این دو شاعر می تواند به شناخت دقیق تر پیامبر و تفاوت نگاه دو شاعر به یک منظر خاص حائز اهمیت باشد، همچنین به تأثیر محیط اجتماعی و فرهنگ بومی و منطقه ای در شعر شاعر حتی در موضوع نعت و منقبت پی برد.

هرچند طی سال های اخیر به علت گسترش کمی و کیفی دانشگاه ها و حوزه های علمیه، تحقیق و پژوهش نیز گسترش یافته و نگاهی دقیق تر و عالمانه تر به مسائل علمی و شخصیت های بزرگ و برجسته ملی و دینی انداخته شده و زوایای زندگی آنان روشن تر شده و بخصوص به ویژگی شخصیتی حضرت محمد در آثار شاعران و نویسندگان یک زبان پرداخته شده اما بررسی نگاه دو شاعر مذکور و مقایسه آنان نمونه ای کاملاً تازه و جدید است. آثار زیر از این ۱- چندمعراج نامه به اهتمام دکتر احمد رنجبر ۱۳۶۹ تهران-انتشارات امیرکبیر

#### مواد و روش ها

روش کار در گردآوری مطالب این مقاله به صورت کتابخانه ای و مراجعه به آثاری است که نمونه هایی از نعت در آنان به چشم می خورد، اما اساس کار بر کلیات سعدی و بانت سعاد کعب بن زهیر است.

#### یافته ها

خلاصه زندگی نامه کعب بن زهیر کعب پسر زهیر معروف به ابی سلمی در خانواده ای که پدر، پدر بزرگ، عمه و دایی همه اهل شعر بودند به دنیا آمد و چون پسر بزرگ بود پدرش توجه خاصی به تربیت و پرورش او داشت. از کودکی شعر گفتن را آغاز کرد هرچند دکتر طه حسین اعتقاد دارد که تنها شعرش که باز مانده قصیده بانت سعاد است. او ابتدا به پیامبر ایمان نیورد و در غزلیات عاشقانه در باره زنان مسلمان مطالبی سرود که پیامبر فرمان قتلش را صادر کرد اما پنهانی نزد ابوبکر رفت تا او را نزد پیامبر ببرد و برایش طلب عفو نماید و قصیده بانت سعاد را سرود و نزد پیامبر خواند و پیامبر برده خویش را بر

یک شبی از صبح دل افروزتر  
فیروزتر  
شبی روشن تر از سرچشمه نور  
رخ شب در نقاب روز  
(مستور(۴)

که همگی تحت تأثیر این کلام وحی بوده است: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْقَصِيِّ... (سوره اسرا. آیه ۱)

پرسشی که پیش می آید این است که شاعران بر چه اساسی و چگونه به نعت پیامبر پرداخته اند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که تعدادی از شاعران از جمله کعب که موضوع این مقاله است از نزدیک آن حضرت را ملاقات نموده و حاصل دیده های خود را به تصویر کشیده اما عده ای دیگر که توفیق زیارت آن حضرت را نداشته اند غالباً برای توصیف و نعت آن حضرت، قرآن کریم یا احادیث و روایات مربوط به آن را مبنای نعت و توصیف خود قرار داده مانند اشعار مربوط به معراج که به آن اشاره شد. نباید از یاد برد که عشق و علاقه و دل بستگی یک شاعر یا نویسنده به پیامبر می تواند زمینه ساز اشعار و توصیفاتی نمادین و خیالی باشد که از توصیف واقعی زنده تر و پویاتر از آب درآید. مثلاً هدیه ای که پیامبر به کعب به خاطر شعری که در مدح وی سرود، اهدا کرد، نشان دهنده جایگاهی بود که پیامبر برای شعر قائل بود، وقتی به پیامبر می گویند برخی درباره اسلام شعر هجو می سرایند، اجازه دهید آن ها را با شمشیر ادب کنیم؛ می فرمایند: خیر، در عوض شما هم شاعرانی پیدا کنید که در کنار آن ها که با جان و مال و شمشیر به اسلام خدمت می کنند، آنان نیز با زبان و شعر کمک کنند. این امر نشان دهنده تدبیر پیامبر و نحوه رفتار با کسانی است که به نحوی می خواهند به دشمنی با اسلام برخیزند. پیامبر به عنوان یک الگوی کامل با کعب طوری رفتار کرد که از آن به بعد نه تنها در وصف اسلام و پیامبر هجو نگفت، بلکه با زبان شعر به مدح ایشان پرداخت و به این وسیله به دوستی با اسلام و پیامبر پرداخت. این رفتار پیامبر از نظر معنوی بر سایر شاعران نیز اثر گذار بود. پیامبر با این رفتار خود، به شعر و شاعران اعتبار و جایگاهی بلندمرتبه می بخشید، از آن پس است که ادبیات فارسی نیز، نعت پیامبر و ستایش ایشان شکل می گیرد و شاعران بزرگ ما نیز از جمله فردوسی، سعدی، نظامی، عطار، سنایی، مولوی، حافظ، جامی و دهلوی به ستایش پیامبر می پردازند

#### بیان مسئله

اگر چه شاعران فارسی و عرب زبان از آغاز تابش آفتاب اسلام در سرزمین عربستان در اشعار و نوشته های خود بعد از ستایش یزدان پاک به نعت و منقبت آخرین فرستاده او نیز پرداخته اند و عظمت و بزرگی او را ستوده اند اما تاکنون مقایسه ای میان نعت پیامبر در دو زبان فارسی و عربی صورت نگرفته لذا در این مقاله کوشش بر این است که نگاه سعدی شاعر توانای زبان فارسی به عنوان

دوش او افکند و به همین دلیل این قصیده به برده نیز معروف شده است. (۵)

#### خلاصه زندگی نامه سعدی

سعدی در سال ۶۰۶ چنانکه خود گوید در خانواده عالمان دین در شهر ادب پرور شیراز دیده به جهان گشود، در کودکی یتیم شد، مقدمات علوم را در شیراز آموخت و با آغاز حمله مغول و آشفته شدن اوضاع زمانه رهسپار بغداد شد و در نظامیه معروف آن شهر به تحصیل و تدریس پرداخت. در همین دوره حس جهانگردی وی گل کرد و رهسپار سرزمین های دورتر یلاد اسلام گردید، گاهی در شام و زمانی در حجاز و از هر خرمنی خوشه ای چید. با آرامش نسبی که در ایران حکمفرما شد به ایران برگشت و در سال ۶۵۵ بوستان و یک سال بعد ۶۵۶ گلستان را نگاشت، ضمن این که قصاید و غزلیات و دیگر اشعارش را در طول زندگی سروده بود که مجموعاً به عنوان کلیات سعدی تدوین و چاپ شده است. سرانجام این شاعر بزرگ در سال ۶۹۱ هجری در زادگاه خود از دنیا رفت و در همانجا به خاک سپرده شد و اکنون مزارش زیارتگاه صاحب‌الان است. (۶)

#### بحث و نتیجه گیری

در این مقاله ابتدا به بررسی ویژگی های زبان و بیان سپس به فکر و اندیشه و بعد از آن به تأثیر محیط اجتماعی بر شعر دو شاعر و بیان معجزه در شعر آنان همچنین احساس و عاطفه دو شاعر در این زمینه پرداخته و نتیجه گیری بعمل خواهد آمد.

زبان و بیان

زبان شعر هر دو شاعر؛ فحیم، محکم و استوار است و هر دو شاعر با بهره گیری از گنجینه غنی واژگان زبان به بهترین شکل در ساخت ترکیب های زیبا و عبارات بی مانند هنر خود را به نمایش گذاشته اند. نگاهی به مصراع های (قسیم و جسیم و نسیم و نسیم) و (به لا قامت لات بشکسته خرد) و ترکیبات قدر رفیع، صدر فرخنده پی، سگه پیغمبری، شهوت نفس و تیه قربت توانایی سعدی بر زبان فارسی و عربی را به بهترین شکل نشان می دهد. از طرف دیگر ترکیب های جَنحِ الظلام و تَوْبُ اللیل یعنی بال های تاریکی و لباس شب و کاربرد واژه های ضِعْم، اَسَد، خِرغام و خادر برای شیر و توصیف غزال حتی بدون بردن نام آن در مصرع: **إِلَّا أَعْنُ غَضِيضُ الطرفِ مكحول**. (۵) و نمونه های دیگر، تسلط کعب بن زهیر بر زبان عربی را بخوبی نشان می دهد.

کعب برای بیان مقصود خود قالب قصیده را انتخاب می کند، قالبی که در شعر عرب، بهترین و رسا ترین قالب برای بیان مدح و نعت و توصیف است. این قصیده ۵۸ بیت دارد و همه قسمت های یک قصیده بجز شریطه و دعا را داراست. وزن این قصیده مستفعلن فاعلن مستفعلن فاعلن است لیکن در آن زحافات طی و خبن و غیرهما راه یافته گاهی به مفاعلن و گاهی به مفتعلن بدل می گردد و فاعلن گاهی به فعلن به سکون عین و گاهی به فعلن به کسر عین تغییر می کند.

مطلع قصیده شاهکار شاعر است زیرا خواننده را به خواندن ادامه قصیده ترغیب می نماید.

سعدی در مجموع ۵۳ بیت از اشعار خود را به نعت پیامبر اختصاص داده است که از این میان ۳۱ بیت از بوستان و در قالب مثنوی بر وزن فعولن فعولن فعل است، ۱۱ بیت مربوط به یک غزل از طبیات بروزن مفتعلن فاعلات مفتعلن فع سروده شده و ۹ بیت دیگر در میان قصیده ای آمده که با ستایش خدا آغاز شده و با منقبت بزرگان دین به پایان رسیده است و چند بیت دیگر ابیاتی فرد است که در نثر دیباجة گلستان خودنمایی می کند و هر کدام وزنی جداگانه دارند که این خود نیز هنر سعدی است.

کعب شعر خود را این گونه آغاز می نماید:

بَأْتِ سَعَادُ قَلْبِي الْيَوْمَ مَتَبُولُ  
مَتِيمٌ إِثْرَهَا لَمْ يُقَدِّ مَكْبُولُ  
سعاد جدا شد پس امروز دل من به سبب فراق بیمار و نزار است و هنوز در بند آن گرفتار است و کسی تاوان عشق مرا نپرداخته. کمتر خواننده ای است که بداند در میان این قصیده به نعت پیامبر خواهد رسید و البته این اصل غافلگیری در قصاید مدحی امری تازه نیست. اما نخستین بیت در باره پیغمبر در این قصیده چنین آمده است:

أُنَبِّئُ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ مُتَعَدِّرًا  
وَالْعَفْوُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ مَأْمُولُ  
و در روایتی چنین آمده است:  
فَقَدَّ أُنَبِّئُ رَسُولَ اللَّهِ مُتَعَدِّرًا  
مَضْبُولُ

خبر کرده شدم به درستی که پیغمبر خدا مرا ترسانده است به قتل و هدر دم و امید آمرزش نزد رسول الله است.....

اما سعدی در دیباجة گلستان می فرماید: در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم؛

شَفِيعُ مَطَاعِ نَبِيٍّ وَ كَرِيمِ  
قَسِيمِ وَ جَسِيمِ وَ نَسِيمِ وَ نَسِيمِ  
چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از بحر موج آن را که باشد نوح کشتیبان  
بلغ العلی بکماله کشف الدجی بجماله  
حسنت جمیع خصاله صلوا علیه و آله (۷)

که اوج فصاحت و بلاغت را نشان داده است.

کعب در بیت های بعدی نیز از پیامبر می خواهد که او را فرو گذارد و مهلت بخشد و یادآوری می کند به قرآن که از طرف خدا آمده و در آن پند و اندرزهاست

مَهْلًا هَذَا الَّذِي أَعْطَاكَ نَافِلَةً أَلِ  
قُرْآنَ فِيهَا مَوَاعِيظُ وَ تَفْصِيلُ  
و از پیامبر می خواهد بخاطر سخن سخن چینیان او را مجازات نکند زیرا گناهی نکرده است.

لَا تَأْخُذْنِي بِأَقْوَالِ الْوُشَاةِ وَ لَمْ  
أَذْنِبْ وَ إِن كَثُرَتْ فِيَّ  
الْأَقْوَابِلُ (۵)

اما سعدی در بوستان نعت پیامبر را این گونه آغاز می کند:

وَلَا يَزَالُ بِوَادِيهِ أَخْوَفَةً  
مَأْكُولٌ (۵)

و سخن اصلی و توصیفی که شاعران فارسی زبان در آغاز نعت خود می آورند را کعب در پایان قصیده اش آورده :

إِنَّ الرَّسُولَ لَنُورٌ يُسْتَضَاءُ بِهِ  
مُهْنَدٌ مِنْ سُيُوفِ اللَّهِ  
مَسْلُوكٌ (۵)

کعب بدون اینکه از شخص خاصی نام ببرد یاران پیامبر بخصوص مهاجرین قریش را توصیف نموده که هنگام مسلمان شدن از آنان خواسته اند از وطن خود مهاجرت نمایند با اینکه آنان را شجاع و دلیرانی معرفی می کند که بر ناملايمات شکایتی ندارند و آنها کسانی هستند که در جنگ پشت به دشمن نمی کنند به همین دلیل نیزه ها فقط بر سینه آنها اصابت می کند نه بر پشت آنها:

فِي عُصْبَةٍ مِنْ قُرَيْشٍ قَالَ فَاثَلَهُمْ  
زُؤُلُوا

يَقَعُ الطَّعْنُ إِلَّا فِي نُحُورِهِمْ  
وَمَا لَهُمْ عَنِ حَيَازِ الْمَوْتِ  
تَهْلِيلٌ

با اینکه سعدی با پیامبر فاصله زمانی ششصدساله دارد اما عشق و دلبستگی این شاعر به پیامبر در جای جای اشعار و تار و پود آیاتش موج می زند بطوری که وقتی از رسالت او سخن به میان می آورد او را سرآمد پیامبران پیشین معرفی می کند :

امام رسل پیشوای سبیل  
جبرئیل (۷)

آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی  
محمد (۷)

چندین هزار سکه پیغمبری زده است  
اول به نام آدم و آخر  
به مصطفی (۷)

و گاهی که در مقام و منزلت ایشان می سراید او را برتر و بزرگتر و شایسته ترین مخلوق خدا می داند:

خدایت ثنا کرد و تجلیل کرد  
زمین بوس قدر تو جبریل  
کرد

بلند آسمان پیش قدرت خجل  
تو مخلوق و آدم هنوز آب  
و گل

تو اصل وجود آمدی از نخست  
دگر هرچه موجود شد فرع  
توست (۷)

همچنانکه گفته شد بیشتر شاعران فارسی زبان هنگام نعت پیامبر به معراج ایشان نیز اشاره داشته اند و سعدی می خواسته در این مسئله چیزی از دیگران کم نداشته باشد لذا اینگونه معراج پیامبر را به تصویر می کشد:

شی برنشت از فلک برگذشت  
از ملک در گذشت

چنان گرم در تیه قربت براند  
از او باز ماند

کریم السجایا جمیل الشیم  
شفیع الامم

امام رسل پیشوای سبیل  
مهبط جبرئیل

شفیع الوری خواجه بعث و نشر  
دیوان حشر (۷)

و در غزل معروف، نعت پیامبر را اینگونه آغاز می نماید که:

ماه فرو ماند از جمال محمد  
اعتدال محمد

قدر فلک را کمال و منزلتی نیست  
در نظر قدر با  
کمال محمد (۷)

که هرچند هدف مقایسه است اما باید پذیرفت که این دو مقدمه قابل مقایسه نیستند

فکر و اندیشه

کعب در این قصیده قصد و هدف خود را به صراحت بیان می کند . او برای عذر آوردن به خدمت پیامبر رسیده و امیدوار است که پیامبر نیز عذرش را بپذیرد زیرا اعتقاد دارد که سخن چنان و نمایان پشت سر او در نزد پیامبر از او بدگویی کرده به او تهمت زده اند لذا با این اندیشه به واسطه ای خدمت پیامبر می رود و چون ترس سرپایش را فرا گرفته ، این ترس در شعرش نیز انعکاس یافته است بطوری که در توصیف مهابت و شکوه پیامبر و اظهار ترس خود می گوید: اگر فیل هم بود از ترس مثل بید می لرزید:

لَقَدْ أَقَوْمٌ مَقَامًا لَوْ يَقُومُ بِهِ  
أَرَى وَ أَسْمَعُ مَا لَوْ يَسْمَعُ الْقَيْلُ  
لُظَلَّ يَرَعْدُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ  
مِنَ الرَّسُولِ اللَّهُ بَاذِنَ اللَّهُ تَنْوِيلُ (۵)

و حتی هنگامی که دست خود را به نشانه عهد بستن و بیعت کردن در دست پیامبر می گذارد باز هم ترس بر او مستولی است هرچند می گوید با کسی پیمان بستم که به پیمانش وفادار است:

حَتَّى وَصَعْتُ يَمِينِي لَا أُنَازِعُهُ  
فِي كَفِّ ذِي نَقَمَاتٍ قَيْلُهُ  
الْقَيْلُ (۵)

سپس پیامبر را مانند شیر و حتی باهیت تر از شیر می داند که در بیشه ای باهیت و باشکوه سکونت دارد و چنان به دشمن حمله می برد که تا او را نابود نسازد دست از او بر نمی دارد و گوشت شکار خود را برای بچه هایش می آورد:

يَعْدُو فَيَلْحِمُ ضِرْغَامِينَ عَيْشُهُمَا  
لَحْمٌ مِنَ الْقَوْمِ مَفُورٌ  
خرادیل (۵)

که شاید هدف شاعر در این بیت کشتن مشرکان و غنیمت گرفتن اموال آنان و تقسیم این اموال میان مسلمانان باشد که در حکم فرزندان رسول خدایند. او همچنین در ادامه توصیف پیامبر او را به شیری تشبیه کرده که کسی جرئت عرض اندام در برابر او را ندارد زیرا اجساد و باقیمانده جنازه کشته شدگان به دست او هنوز در صحرا افتاده اند:

می روند مانند رفتن شتران سفید که حمایت می کنند.....  
 فَمَا تَدْرُومُ عَلَى حَالٍ تَكُونُ بِهَا  
 كَمَا تَلُونُ فِي أَتَوَائِهَا  
 الْغَوْلُ (۵)  
 سعادت بریک حال نمی ماند آنچنان که غول برای فریب دیگران از  
 رنگی به رنگی در می آید.....  
 إِنَّ الرَّسُولَ لَنُورٌ يُسْتَضَاءُ بِهِ  
 مُهْنَدٌ مِّنْ سَيُوفِ اللَّهِ مَسْلُورٌ  
 (۵)

..... و آن شمشیر هندی است از شمشیرهای خدا که از نیام بیرون  
 آورده

اما شیراز با آب و هوای معتدل و درختان سرسبز جلوه ای خاص به  
 شعر سعدی داده و آرامش را در شعرش به تصویر کشیده است . او  
 هنگام تشبیه پیامبر از نگاه کعب به پیامبر نمی نگرد که ایشان را  
 چون شیری خشمگین ببیند که کسی جرئت نزدیک شدن به آن را  
 نداشته باشد بلکه زیبایی پیامبر را ماه و سرو ناز شیراز می بیند که  
 می سراید:

ماه فرو ماند از جمال محمد  
 سرو نباشد به اعتدال  
 محمد  
 و آنهمه پیرایه بسته جنت فردوس  
 بو که قبولش کند بلال  
 محمد  
 چشم مرا تا به خواب دید جمالش  
 خواب نمی گیرد از خیال  
 محمد (۷)

معجزه پیامبر در شعر دو شاعر  
 با اینکه سعدی در چند جا از اشعار خود به معجزات  
 پیامبر از جمله قرآن و شق القمر اشاره دارد در شعر کعب فقط یک  
 مورد به قرآن اشاره شده است:  
 یتیمی که نا کرده قرآن درست  
 کتب خانه  
 چند ملت بشست  
 چه عزمش بر آهیخت شمشیریم  
 به معجز میان  
 قمر زد دو نیم  
 یارب به دست آنکه قمر زان دو نیم کرد  
 تسبیح گفت  
 در کف میمون او حصا  
 مَهْلًا هَذَاكَ الَّذِي أَعْطَاكَ نَافِلَةَ آلِ  
 قُرْآنٍ فِيهَا مَوَاعِظٌ وَ  
 تَفْصِيلٌ

احساس و عاطفه در شعر دو شاعر  
 هر خواننده ای با نگاهی دقیق به شعر کعب بن زهیر آنجا  
 که تشبیب و نسیب را پشت سر می گذارد و به تئنه اصلی قصیده می  
 رسد متوجه می شود که ترس و هراس بر سراینده شعر مستولی شده  
 و شاعر احساس خطر کرده است آن هم خطر مرگ... او ابتدا قدرت  
 و توان مادی و معنوی پیامبر را شنیده و سپس با چشم خود آن را  
 دیده است. ترس از مرگ، او را به سوی پیامبر می برد و پیامبر از

بدو گفت سالار بیت الحرام  
 وحی برتر خرام  
 بگفتا فراتر مجالم نماند  
 نیروی بالم نماند  
 اگر یک سر مو فراتر پرم  
 فروغ تجلی بسوزد  
 پرم (۷)

سعدی در ابیات ذیل این حقیقت را آشکار می کند که پیامبر با  
 آوردن دین اسلام ، نه تنها بساطت پرستی را در شبه جزیره  
 عربستان بر می چید که ادیان الهی پیشین از جمله زرتشتی، یهود  
 و مسیحیت را نیز منسوخ می کند:

چو صیتش در افواه عالم فتاد  
 تزلزل در ایوان کسرا  
 فتاد  
 نه از لات و عزا بر آورد گرد  
 که تورات و انجیل منسوخ  
 کرد (۷)

سعدی برخلاف کعب که نامی از باران پیامبر نبرده یاران پیامبر را  
 با ویژگی بارز هر کدام با زبانی زیبا به تصویر می کشد :  
 درود ملک بر روان تو باد  
 بر اصحاب و بر پیروان تو باد  
 نخستین ابوبکر پیر مرید  
 عمر پنجه بر پیچ دیو مرید  
 خردمند عثمان شب زنده دار  
 چهارم علی شاه دلدل سوار  
 خدایا بحق بنی فاطمه  
 که بر قول ایمان کنم خاتمه  
 (۷)

تأثیر محیط اجتماعی بر شعر دو شاعر

سرزمین عربستان با ویژگی ها و عقاید و آداب خاص خود  
 در شعر شاعران آن دیار بازتاب گسترده ای دارد و کعب بن زهیر  
 نمی تواند از این قاعده مستثنی باشد چنانکه در شعر او بیابان  
 ، آب، نخل، شتر، غول و شمشیر که واژه های مورد توجه بیابان گردان  
 است به چشم می خورد که نمونه های آن به ترتیب می آید:  
 أَمَسَتْ سَعْدُ بَارِضٌ لَا يَلْبَغُهَا  
 إِلَّا لِعَتَاقِ النَّجِيَّاتِ الْمَرَايِلِ (۵)  
 سعادت به سرزمینی رفت که مرا به آنجا نمی رساند مگر شترانی  
 گرامی نژاد که سهل و نرم هستند  
 شَبَّحَتْ بَدِيَّ شَمِّمٍ مِنْ مَاءٍ مَحْنِيَةٍ  
 صَافٍ بِأَبْطَحِ أَحْضَى وَهُوَ مَشْمُورٌ  
 (۵)

آب شرابی خنک که از وادی گرفته شده و صاف است و مسیل آن  
 فراخ و وسیع که در آن سنگ ریزه هاست و....  
 تَمْرٌ مِثْلَ عَسِيبِ النَّخْلِ ذَا حُصْلٍ  
 فِي غَارِزٍ لَمْ تَخَوْتَهُ الْإِحَالِيلُ  
 (۵)

دُمی را بر پستان خود می گذارد که در درازی بسان شاخ درخت  
 خرماست و.....

شتر در این قصیده با نام های گوناگون و مشخصات متفاوت در بیش  
 از بیست بیت آمده است مانند:  
 يَمْشُونَ مَشْيَ الْجَمَالِ الزَّهْرِ يَعْصِمُهُمْ  
 ضَرْبُ إِذَا عَرَدَ السُّودُ  
 التَّنَابِيلُ (۵)

کعب عشق به سعاد را دستمایه شعرش قرار داده و عشقش از نوع مادی و جسمانی بخصوص به جنس مخالف است حال آنکه عشق سعدی یک عشق معرفتی و معنوی است، پس می توان گفت آنچه کعب از آن به عنوان عشق نام برده در نزد سعدی هوسی بیش نیست. کعب از شخصیت دو بعدی پیامبر که در قرآن آمده: مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ اَشِدَّاءُ عَلٰى الْكٰفِرٰتِ رُحَمَآءٌ بَيْنَهُمْ... (سوره فتح آیه ۲۹) بیشتر به قسمت اول یعنی (اَشِدَّاءُ عَلٰى الْكٰفِرٰتِ) نظر داشته به همین دلیل از پیامبر به عنوان شیر نام برده حال آنکه سعدی به هر دو بعد پیامبر بخصوص قسمت دوم یعنی (رُحَمَآءٌ بَيْنَهُمْ) نظر داشته است زیرا در جای دیگری از قرآن خداوند خطاب به پیامبر می فرماید اگر اخلاق نیکویت نبود مردم پیرامونت پراکنده می شدند و هرگز نگفته اگر اگر درندگی یا شجاعتت نبود که این جای تأمل بسیار است. و این نشان می دهد که خوی نیکو و اخلاق والای پیامبر و تاثیراتی که بر سلامت روح و قلب مسلمانان داشته در کلام سعدی به نیکی آورده شده است.

سعدی خود را از توصیف پیامبر ناتوان می بیند و به این مسئله اعتراف می کند حال آنکه در شعر کعب چنین اعترافی نمی بینیم. کعب از شعر خود هدفی دنیایی داشته حال آنکه سعدی بدون چشم داشت دنیوی و از روی عشق و محبت چشم انتظار پاداش اخروی است.

انتخاب ردیف "محمّد" در غزل سعدی پیوسته نام آن حضرت را در گوش خواننده و شنونده طنین انداز می کند و این خود هنری دیگر از سعدی است حال آنکه در شعر کعب چنین نمونه ای یافت نمی شود.

از میان ۵۸ بیت قصیده کعب، ۱۰ بیت به سعاد معشوقه او، ۲۰ بیت به شتر و بیابان و تنها ۱۳ بیت مربوط به شخص پیامبر و ۶ بیت نیز مربوط به یاران پیامبر بخصوص مهاجرین قریش است اما از میان ۵۳ بیت سعدی باید پذیرفت که تمام ابیات مربوط به پیامبر و خصوصیات، روحیات و اقدامات ایشان و یاران وفادارش است که با نام مشخص شده اند. به جرئت می توان گفت اگر بخواهیم فقط یک بیت از ۵۳ بیت اشعار سعدی را به عنوان بیت الغزل انتخاب نماییم همین خواهد بود که:

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی  
عشق محمّد بس است  
و آل محمّد (۷)

با این وصف باید دید در این مقایسه مناظره گونه خوانندگان ما چگونه نظر خواهند داد؟؟؟

این ماجرا آگاه است، ابتدا او را می بخشد و سپس به خاطر اینکه او را آرامش دهد برده خویش را بر دوش او می اندازد اما این نیز چندان کارساز نمی افتد چون این گذشت و فداکاری پیامبر که از شخصیت والای ایشان سرچشمه می گیرد نیز در وجود کعب چندان اثر نمی کند که حتی بیٹی در باره ایشان و اخلاق پیامبر بسراید. اما احساس و عاطفه سعدی چیز دیگری است و از جای دیگری سرچشمه می گیرد؛ عشق، سراپای وجود سعدی را فرا گرفته است آن هم عشق به به سرچشمه ازل.

او با اینکه ممتازترین واژه ها را برای بیان مقصود انتخاب می کند و فصیح ترین و بلیغ ترین جمله و عبارات و اشعار را برای ممتاز ترین خلقت پروردگار بکار می برد باز هم احساس ضعف و ناتوانی می نماید و می گوید:

ندانم کدامین سخن گویمت  
که والاتری ز آنچه  
من گویمت  
تو را عزّ لولاک تمکین بس است  
ثنای تو طه و یاسین  
بس است

چه وصف کند سعدی ناتمام  
علیک السلام ای نبی  
السلام (۷)

شاید بتوان گفت که ابیاتی که کعب بن زهیر در باره معشوقه اش سعاد بکار برده به مراتب زیباتر و دلنشین تر از ابیاتی است که در باره پیامبر سروده است. البته این عشق اوست و نمی توان بر او خرده گرفت عشق او با عشق سعدی تفاوت اساسی دارد زیرا عشق در نگاه سعدی در همین یک بیت خلاصه شده است:

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی  
عشق محمّد  
بس است آل محمّد (۷)

با نگاهی دقیق به مطالب ذکر شده روشن می شود که کعب بن زهیر و سعدی شیرازی هر دو از شاعران توانمند زبان عربی و فارسی هستند و هر دو شاعر گوشه هایی از اشعار خود را به پیامبر بزرگ اسلام اختصاص داده اند. کعب تنها در قالب قصیده به این کار اقدام نموده حال آنکه سعدی هنر خود را نه تنها در قصیده که در غزل و مثنوی نیز به رخ رقیبان کشیده است؛ از طرف دیگر کعب فقط به زبان عربی شعر سروده حال آنکه سعدی تسلط خود به زبان فارسی و عربی را نشان داده و اشعار خود را به هر دو زبان سروده است. کعب و سعدی هر دو در شعر خود از شمشیر استفاده کرده اند اما هدف کعب از آوردن لفظ شمشیر نشان دادن قدرت مادی و انسانی پیامبر به عنوان یک الگوی کامل برای مسلمانان است و این در حالی است که سعدی با آوردن لفظ شمشیر در پی نشان دادن قدرت معنوی و الهی پیامبر و تاثیر رفتار معنوی ایشان بر قلب مسلمانان است، بخصوص که معجزه ایشان که مربوط به شکافتن ماه است را به خوبی به تصویر کشیده است.

---

## References

### Quran

1. Nizami. Elias bin Yusuf. 1366. Kaliaat Khamsa. Fourth edition. Tehran. Amir Kabir Publications
2. Hafez. Shamsuddin Mohammad. 1378. Divan. Corrected by Qazvini and Ghani. 15th edition. Tehran. Mohammad Publishing
3. Attar, Farid al-Din, 1378, Al-Tir Logic, by Sadegh Goharin, 15th edition, Tehran, Scientific and Cultural Publications
4. Ranjbar. Ahmad. 1369. Chand Meraj Nameh. Second edition. Tehran. Amir Kabir Publications.
5. Abu Moussa Ahmad Al Haq Qureshi. 2013. Bant Saad. Corrected by Kahdoi and Akhmi Aghda. First edition. Yazd. Yazd University Publications.
6. Yahaghi. Mohammad Jaafar. 1376. History of Iranian literature 1st and 2nd edition. Tehran. Textbook Publications.
7. Saadi. Mosleh al-Din. Without date. Kliat. Corrected by Foroughi. Tehran. Musa Elmi Publications